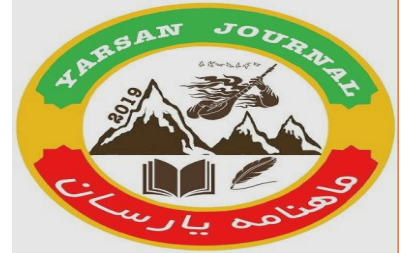


YARSAN JOURNAL

ماهنامه یارسان



تصویر منحصر بفرد از هنرمند بزرگ (خوشنویس) دوره
قاجار
میرزا محمدرضا کلهر (۱۲۰۷ کرمانشاه - ۱۲۷۱ تهران)



MAJ 2019
Utgåva 5

متن ها و نوشته های خود را
جهت چاپ در شماره بعدی به
ادرس زیر ارسال کنید

yarsanjournal@yahoo.com

در این شماره

1: گزارش از استاد کیوان
کیانیان

2: تاریخچه مبارزات کورد

3: مصاحبه با پرفسور گلمراد
مرادی

4: انرژی باد

5: کلام

6: عکس از مراسم نوروز
استکهلم

7: عکس از انتخابات
فدراسیون یارسان

به اطلاع مخاطبین این نشریه می رسانیم که، ماهنامه یارسان
به قوت خود باقی خواهد ماند و ما در پی گسترش این رسانه،
نام احتمالی **مجله زاگرس** را پیشنهاد میکنیم.

گزارشی از استاد کیوان کیانیان

گاهی میتوان گفت زندگی کویری بیش نیست و این نوای سازهاست که به آن طراوت، شادابی، رنگ و بوی یک زندگی را میدهد صدایی بی کلام که افکار را به شیوایی بیان میکند، که گاه احساس شادی و غم، گاه احساس ترس و شجاعت و گاهی ملکوتی شدن را در ذهن شنونده ایجاد میکند. شخصی که هنر و دانش تولید و خلق آثار موسیقایی را دارد، آهنگساز گویند. آهنگسازی پروسه ای دارد که برای رسیدن به این هدف می بایست تمام پله ها را یکی یکی بالا رفت که اولین پله یادگیری ساز است. در هر هنری اگر هنرمند نتواند با ابزار های موجود آن ارتباط خوبی برقرار کند بدون شک نمی تواند آن هنر را به خوبی درک و خلق کند.

امروز سه شنبه ۱۶ آوریل ۲۰۱۹ کافه اسپرسو سندی بری واقع در استکهلم - سوئد ساعت شش غروب دیداری با استاد آهنگساز کیوان کیانیان و بحثی دلنشین در خصوص موسیقی داشتیم. کیوان در سال ۱۳۴۹ خورشیدی در خانواده ای مذهبی و هنر دوست در کرمانشاه متولد شد و از همان دوران کودکی به نواختن تنبور علاقه مند بود و در مجالس مختلف مذهبی و کلامی به همراه پدرشان حضور داشتند و از نزدیک با شیوه نواختن استادان تنبور نواز آشنا شدند به طوری که در سیزده سالگی به زیبایی تمام مقام جنگ راه را که از استاد قدم یار حسینی فرا گرفته بودند مینواختن و به گفته خودشان در تمامی کنسرت ها این مقام را به یاد استاد قدم یار مینوازند. بعد ها در مراسمات مذهبی سید خلیل عالی نژاد را ملاقات میکنند و شیفته سحر انگشتان عالی نژاد بر صفحه تنبور می شوند. شور و شوق نوا عرفانی تنبور کیوان را آنقدر مجذوب خود کرده بود که بیشتر دوران نوجوانی خود را با این ساز و تمرین مقام های آن گذراند. استاد کیوان کیانیان در سن سیزده سالگی به همراه خانواده به تهران مهاجرت کردند و در همان جا هم به تمرینات خود ادامه دادند و در شانزده سالگی در مسابقات موسیقی مدارس با آماده کردن ده آهنگ شرکت کردند و موفق به کسب مقام اول در منطقه و سوم در شهرستان را شدند، که همین قدم اول برای شروع کار به صورت حرفه ای بود.



ایشان در تربیت مربی کرج در رشته غالب سازی تحصیل کردند و تحصیلات خود را در دانشگاه کاشان در رشته سیالات به پایان رساندند. در سال ۱۳۶۷ خورشیدی در جشنواره فجر تک نواز گروه عشاق بودند و در ۲۸ سالگی گروه بال و شان را تأسیس نمودند و کنسرت های زیادی را برگزار کردند و همچنین با شبکه های مختلف تلویزیون همکاری می کردند.

سپس در سال ۱۳۸۰ اولین آلبوم استاد با صدای حمید بامدادی به نام دلبر من منتشر شد.

سال بعد شاهد آلبوم دیگری از ایشان با صدای آفتاب تهامی بودیم که در کشور سوئد تنظیم و ضبط گردید.

سومین آلبوم استاد کیانیان با نام پنهانک با صدای شهرام آبرومند که در سال ۸۳ به بازار آمد، که در قطعات آن از اشعار نظامی گنجوی، مولوی، صغیر اصفهانی، سید یعقوب ماهیدشتی، سید صالح ماهیدشتی استفاده شده بود و صدای تنبور نقش اساسی را در قطعات این آلبوم داشت، که خود یکی از پرفروش ترین آلبوم های سال شد.

آلبوم لیلی و مجنون با صدای خانم ستاره که در سوئد تهیه شد.

و همچنین آهنگسازی، نوازندگی و تدوین دو آلبوم سر هزار ساله و در وادی عشق با صدای سالار عقیلی را میتوان از آثار منتشر شده ایشان نام برد.

در سال ۲۰۰۲ میلادی با رهبری گروه بال و شان به فستیوال موسیقی ملل در فرانکفورت و برلین و در سال ۲۰۰۴ میلادی به کنسرت تئاتر ملی سوئد و فستیوال دستنرال بلژیک دعوت شدند

و نیز کنسرت های زیادی در بسیاری از کشور های اروپایی اجرا کرده اند.

علاوه بر آهنگسازی استاد کیانیان در کارگاه خود در تهران ساز های مختلفی چون باغلامان، تنبور، ستار، کمانچه، تار، دیوان، گیتار را می سازند، و نیز دو ساز ابداعی با نام های حونیاک و دوقلو نیز دارند.

استاد کیانیان در سه حوزه موسیقایی تنبور که شامل گهواره، صحنه، و دلفان است بیشتر پیگیر نوازندگی در حوزه گهواره بوده اند و بسیار علاقه مند به شیوه نوازندگی استاد طاهر یارووسی می باشند.

استاد کیانیان تأکید بر نقش و جایگاه تنبور در میان یارسان را دارند و اظهار می کنند رسالت نوای تنبور رساندن پیام یارسان به دوره های بعد خود بوده و نیز موجب حفظ و نگهداری کلام ها و دفاتری که به صورت سینه ای منتقل می شدند، شده و هر چند محتوا کلام ها پر از معرفت است که در آن شکی نیست اما همراه شدن کلام با نوا تنبور آن را برای مخاطب دلنشین تر میکند.

رهبر گروه بال و شان (به معنای دست افشانی فعالیت می باشند و دختر ایشان کیما کیانیان به که تمامی نوازندگان آن را بانوان تشکیل داده



کرمانشاه از جمله: منوچهر طاهر زاده، رضا دارابی، سهیل ایوانی، مجتبی میرزاده، سیدقاسم افضلی، نور علی الهی، سید ولی بشی پور، علی اکبر مرادی، شهرام ناظری، دیگر عزیزان این عرصه یاد کردند. و اظهار هنر موسیقی چه مشقت های کشیده اند.

استاد کیانیان هم اکنون به عنوان آهنگساز و که یک بزم حقانی تنبور می باشد) در حال عنوان سرپرست گروه موسیقی گیسو گروهی اند، مشغول فعالیت هستند.

استاد کیانیان از چهر های هنر و موسیقی مرتضی شریفیان، جلال الدین محمدیان، محمد درویش امیر حیاتی، سیدامراه شاه ابراهیمی، حسینی، سید خلیل عالی نژاد، علیرضا فیض کیخسرو پور ناظری، جلال الدین محمدیان و داشتند که این عزیزان برای حفظ فرهنگ و



امروز از محضر ایشان بسیار فیض بردم امیدوارم که ما قدر دان هنر و دانش هنری این عزیزان باشیم، چه بسا هر سر زمینی افتخار داشتن چنین گنجینه های هنری که حافظ و نگهدار فرهنگ، تاریخ و اعتقاداتشان به زبان زیبایی هنر باشد را ندارند.

برای استاد کیانیان و دیگر عزیزان صحنه موسیقی از عرفانی گرفته تا سنتی، ایرانی، کلاسیک، اپرا و غیره آرزوی بهترین ها را داریم، و تشکر و قدرانی از طرف خودم و تیم ماهنامه یارسان از جناب آقای کیانیان جهت وقت گذاشتن و شرکت در این گفتگو را داریم.

fereshtenazari20@yahoo.com

Fereshte Nazari

«پیشخوا و مهسەله‌ی گرینگی خاک»

دیاری پیشخوا و پێشوا نازەربایجان



لەم وێنەدا پێشخوا لە گەڵ میرجەعفەری پیشوای و میرزا عەلی شەبۆستەری دەبیندرێن.

کوردستان وەک ناوی نیشتمانی کورد، زاراومەکی میژووپی و جوغرافیایی و کولتورییە. ئەم ناوە بۆ یەکەجار جار بەرەسمی لە نێو راستی سەدەی 12 هەمی زایینیدا لە سەردەمی سولتان سەنجەری سەلجوقییە وە . دانی پێدانراوە بەلام بەپێچەوانەی زاراوەی کوردستان که به مانای نیشتمانی کوردان کەڵکی لێوەرگیراوە، مهسەله‌ی دیاری کردنی سنووری کوردستان هەر له کۆنه وه تا ئێستا هه‌لگری بۆچوونی هه‌مه‌چەشن و جیاوازی بووه . گرفتی ئەم مه‌سەله‌یه‌ش به‌ته‌واوی بۆ دابه‌ش کردنی کوردستان و دروست نەبوونی دموکراتیکی یەکگرتووی کوردی دەگەڕێتەوە که سنوورەکانی خۆی لەگەڵ دموکراتەکانی دراوسێ دیاری بکات .

لە درێژەی بێبەش بوونی نەتەوێ کورد لە دەسەلاتیکی نەتەوێی گشتگر که هه‌موو کورد و خاکی کوردان بخاته ژێر ڕکێفی دەسەلاتداریتی خۆیە، داگیرکەری کوردستان بەی نێو هه‌ولێ ئەوه یان داوه جوغرافیای کوردستان بشیوێن و به‌هۆی ڕاگۆزانی کورد له کوردستان و نیشته‌جێ کردنی نەتەوێ غەیره کورد سنووری کوردستان بەر تەسک بکەنەوه، رۆژ هه‌لاتی کوردستان وێنەیه‌کی ئاشکرای ئەو راستییە .

"سنور و کەوشەنی رۆژ هه‌لاتی کوردستان له سه‌رووی رۆژ هه‌لاتی ئاراراته وه دەس پێ دەکا و به داوینی زنجیره چیاکانی زاگروس دا دێته خوار ئ تا ده‌گاته پشتکۆ. رۆژ ناوای رۆژ هه‌لاتی کوردستان ده‌بێته کوردستانی بندهستی تورکیه و باشووری کوردستان که ئه‌میش به عێراقه وه لکێنراوه. رۆژ هه‌لاتی کوردستانی بندهستی ئێران ده‌بێته هه‌مەدان و به‌شێکی نازەربایجانی رۆژ هه‌لات له لای خوار و خوارووی رۆژ ناواشه وه له‌گەڵ ئۆستانی خۆستان و عێراق سنووریان لێک ده‌گرێته‌وه ."

کەچی رۆژ هەڵاتی کوردستان لە نەخشەی جوغرافیایی ئێراندا لەنێوان جوار پارێزگادا دابەش کراوە ئۆستانی نازەربایجانی رۆژناو، پارێزگای ئیلام،

کوردستان (سنه) و ئۆستانی کرمانشان. جگه له ناوچهی سنه (ئەردەلان) و چەند شاری دەوروبەری نەبی که به کوردستان ناو دەبرێ، هیچ کام له ناوچه و مەڵبەند و بەشەکانی تری رۆژ هەڵاتی کوردستان له بەلگه رەسمییەکانی دەسەڵتدارانی ئێراندا به کوردستان ناو نابێ، لەگەڵ ئەوەی له دواى باکووری کوردستان، رۆژ هەڵاتی کوردستان به رووبەریکی 12495 کیلۆمەتر 2جی، به گەورەترین پارچه ی کوردستان دژمێدرێ . کاتی له دواى برانمۆی شەری دوو هەمی جیهانی هەلی ساغ کردنەوی سەرورەری نەتەوەیی بۆ کورد رەخسا، نەتەوخوازی نازەری تەنیا لەسەر بوونی دەسەڵاتیکی سەبەخۆی نەتەوەیی بۆ کورد، کێشه و گرفتی نەبوو، بەلکوو لەسەر مەسەله ی خاک و دیاریکردنی سنووری کۆماری کوردستانیش هەلگری هەلوێستیی دەمارگژانه و زیاده خوازانە و کردەوهگەلیکی داگیرکەرانه بوو. کورد شارو ناوچهکانی گۆمی وان،

میانداو، ورمی، سەلماس، خۆی،

ماکوێ به بەشێکی جیا نەکراوه له ولات و نیشتمانی میژوویی خۆی دەزانی

که چی نازەریهکان ئەو شار و ناوچانەیان به پارچهیهکی ئەرزی

نازەربایجان لەقەڵەم دەدا. ئارگومینتی نازەریهکان ئە وه بوو زۆرایەتی

دانیشتوانی ئەو شارانه نازەریین. کوردهکانیش له بهرانیهردا دهیانوت: ئەو

شارانه بهدریژی میژوو خاکی کورد بووه و دانیشتووان و دهور و پشتی

ئەو شارانهش کوردن. نیشتهجی بوون و خاوەندارییهتی دوو تەوهره و دوو

مەسەله ی لێک جیاوازن و پێویسته تێروانینیکی واقعینانەمان بۆی هەبێ.

دەکرێ کۆمەڵه خەلکیکی تاییهتی له دلی خاکی نەتەو میێکی تر

گیرسابوو بیتنەوه یاخۆ به مەبەستییکی دیاریکراو پەلکش کرابن، بەلام

ئە وه بهو مانایه نیه ئەو کۆمەڵه خەلکه خۆ به خاوەنی خاک و نیشتمانی ئەو

نەتەو هیه له قەڵەم بدەن.

m.zagros2020@yahoo.com



مصاحبه با پرفسور گلرادر مرادی

جهان پیرامون ما، مملو از اتفاقات عجیبی است که ما در شناخت بسیاری از آنها تاکنون عاجز مانده ایم. ذهن کنجکاو بشر، در پی یافتن این اسرار بر می آید و برای بسیاری از آنها پاسخی می یابد و آنجا که ناتوان از یافتن پاسخ شد، حل مجهولات این معادله را به آیندگان می سپارد، اما در مقابل عوام ساده با وصل کردن این مجهولات به نیروهای فرا زمینی و ماوراءالطبیعی خیال خود را برای همیشه آسوده میکند و حتی در برابر آناتکه در پی یافتن قطعات گمشده ی این پازل هستند ایستادگی میکنند؛ اما بی گمان اصلی ترین معضل در یافتن کلید این اسرار، حکومت های مستبدیست که منفعت شان، در چهل و نادانی مردم است. آنها حتی با بر شمردن چهره های سرشناس درون جوامع کوچک، افکار آن جامعه را، به همان سمتی که میخواهند سوق میدهند تا بلکه کسی از خواب غفلت بیدار نشود، و این ساده ترین پاسخ برای این است که چرا حکومت های دیکتاتوری ذهن های کنجکاو و پرسشگر را، در نطفه خاموش میکنند. در این میان افراد زیادی با مطالعات، تحقیقات و کار علمی سعی در آگاه سازی جامعه، داشته اند که بی گمان پرفسور گلرادر مرادی یکی از نام آشنا ترین های جامعه ی ما در این زمینه است. شهرت ایشان بیشتر بخاطر کتابها ایست که در زمینه های تاریخ و فلسفه ی ادیان نگاشته شده و در نوع خود کاری نوین و علمی محسوب میشود. از جمله آثار قابل توجه ایشان "هزاره های زرتشت"، "تاریخ و روایات نوروز"، "نگاهی گذرا به تاریخ و فلسفه یارسان" و ده ها مقاله و کتاب های دیگر که از دیدگاه بسیاری او را به یکی از مراجع علمی و معتبر در زمینه های تاریخی، مذهبی تبدیل کرده است. ایشان دوره ی فوق دکترای خود را زمینه "جنبش های اجتماعی-مذهبی در ایران" به پایان می رساند و سال ها در کنار تدریس در دانشگاه های آلمان وقت خود را صرف تحقیق و نگاشتن آثار علمی میکند، از همین رو، ما با طرح سؤالاتی که شاید به گونه ایی هنجار شکن باشد، نظر ایشان را در یافتن این پرسش ها جویا میشویم.

با سلام و تشکر از اینکه دعوت ما را برای انجام این مصاحبه پذیرفته اید؛ سوال خود را این گونه آغاز میکنم که فلسفه ی تشکیل ادیان چیست و آیا آنگونه که اکثر عوام تصور میکنند شخصی از جانب خداوند مامور به هدایت مابقی انسانهاست؟

درد بی پایان برشمای عزیزم باد. من با وصف اینکه ماهنامه شمارا نمی شناسم وحتا نام آن را نمی دانم و مطلع نیستم که ازچه ایدئولوژی پیروی می کنید، اما طرح پرسش های شما مرا به آینده ای روشن امیدوار کرد. من ایمان دارم که پرسشگر، انسان علاقمندی به سرنوشت و آینده مردم یارسان است و می شود بایقین به او امیدوار بود و باورکرد. درهرحال درد فراوان بر همه جوانان مملکت وبویژه جوانان (دختر وپسر) یارسانی. من کوشش می کنم به پرسشهای شما پاسخی در حدتوانم منطقی و علمی بدهم، امیدوارم، نه فقط خوانندگان عزیز ماه نامه ی شما، بلکه بقیه جوانان کشور، اگر مفید دانستند، از آن بهره مندشوند.

معمولا همین اولین پرسش فلسفی امیدبه پیروزی دموکراسی در ایران را زیاد می کند. لذا به همه جوانان (دختر وپسر) غیور و پرسشگر مملکت شادباش می گویم. اکنون پاسخ پرسش شما؛ بنابه تحقیق درست وبیطرفانه، همه ی ادیان بخشهایی از فرهنگ جامعه ما هستند کهتوسط پدران ومادرانمان، تا آنجا که عقلشان کارمی کرده، برای تشویق باهم زیستن انسانها، آئین هارا بوجود آورده و بر جای گذاشته اند. ما اگر علمی بیاندیشیم واهل مطالعه باشیم، به آسانی درمی یابیم که بهشت و دوزخ و خدای نادیده همه ساخته و پرداخته دست بشر توانا است، تا آنجائی که مغزش کار می کرده. در غیر آنصورت قویها ضعیفهارا می خوردند و یا برده خود می کردند. بشریکه به کره ماه که روزی وروزگاری ما آنرا مقدس می دانستیم، سفرکرده وبسیاری از موهومات راکشف نموده است. بدون شک به این موفقیت نیزنایل خواهدآمد ثابت کند که این خدای نادیده و قادر مطلق ساخته افکار توانای بشر است. کافی است که انسان با استدلال باورکند که جهان درحال تکامل است. اکثر پدران ومادران ما، بدلیل عادت نکردن به مطالعه، حوزه دانانییشان محدود بود، من مثالی می آورم که زیاددور نیست و تقریبا از 73 سال پیش است. ازنظر تاریخی یک لحظه است یعنی درآن دوره که من حدود 5 سالم بود. یکی از شیهاجلو کپر درآبادی شیخ حسن بیوه نیج کنار پدرم که درمیان حدودپنجاه آبادی باسواد ترین بود، یک سینی گردچای خوری بردست داشت و باقاشق روحی برآن می کوبید. من که کنارش نشسته بودم، بصدا آمدم وگفتم: بابا چرا سینی را می زنی، او دردش می گیرد. لبخندی زد و به من گفت: پسرمن اینها هر دو فلز هستند و دردشان نمی گیرد. من کوتاه نیامدم وگفتم: پس چرا به آنها می زنی؟ درپاسخ گفت: مگر نمی بینید ماه گرفته شده وما سروصدا می کنیم که جنها رهایش کنند! امروزه یک بچه ده ودوازده ساله می داندکه درآثر گردش ماه بدور زمین وهردو بدور خورشید مسئله خسوف وکسوف بوجود می آید. پس ماه راجن نگرفته این نوعی افسانه است. ببینیدسطح آگاهی مردم تاچه اندازه بوده؟ تازه پدرم باسوادپنجاه دهکده بوده، اکنون شما تا آخرش را بخوانید!! این بود که می بایستی یک قدرت لایزال و قادر مطلق می بود که هیچ کسی هم به او دسترسی نداشته باشد و کاملا مخفی و نا دیده و ابدی باشد و مردمان عادی ازکارهای نیکی که انحام می دهند تشویق گردند. یعنی زندگی بهترپس ازمرگ وعده بهشت برین داده شود و ازکارهای زشتیکه انجام می دهند، بوسیله آتش دوزخ وتهدید بسوزاندن، بترسانند. برای این کار، درزمان خود خلاق، پیامبری از میان همین بشر و "مخلوق خود تعیین کرده" یعنی باهوشرترین و زرنگترین انسانها خودرا کاندید پیامبری کرده که بقیه ی مخلوق راهدایت کند!! یکی ازپیران حقیقت گویااززبان سلطان سهاک دردفتردیوان گه وره آورده شده که گوید: "یاران مگندی نه وشون باوه+خریک مه وودی وه مله گاوه"="هوادران وپیروان به دنبال پدر روانه نشوید+سر بزنگاه معطل خواهید ماند".

تفسیرها و ترجمه های دیگری هر کسی به سود خویش از این سروده بدست می دهد. من توصیه می کنم اگر نمی پذیرید خود مطالعه کنید و تمام جوانب کار را در نظر بگیرید و نکات مثبت آن را بحال جامعه بطور کلی مورد توجه قرار دهید که نکات مثبت آن لایق احترام و می بایستی حفظ، و نکات منفی آن بدور انداخته شود. مانند آن که پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک های جهان، دوزخ و داستان نوح و آدم و حوا را از طریق علم رد می کند، باید صحنه گذاشت. درباره این بخش از فرهنگ بجامانده باید مطالعه کرد و همین طور با تقلید، نبایستی پذیرفت یا رد کرد. می دانم این مسئله خیلی سخت است با اطمینان هر کسی این راه تقریباً پر پیچ و خم و بغرنج را انتخاب کند، پرسشگر می شود و در واقع، اغلب این پرسشها به مذاق معتصبین یا آنهایی که بدون مطالعه پذیرفته یا رد کرده اند، خوش آیند نیست. آنهایی که منافع خاصی دنبال می کنند از نا آگاهی توده های پاکدل ناخود آگاه یا با آگاهی کامل سوء استفاده می کنند، بایستی جلو آنها را با منطق گرفت نه بازور!

تفاوت دین با آیین را در چه می بینید و یارسان در کدام بخش طبقه بندی میشود؟

بنظر من دین و آیین تفاوت چندانی ندارند و بنا به این شعر از فردوسی که گوید: “همه مردمی باید آیین تو + همه رادی و راستی دین تو”. دهخدا جلد 24 صفحه 572 تهران سال 1351 هجری شمسی. در واقع دین واژه عربی است و معنی روش پرستیدن خدای یکتا می دهد و آیین به معنای عرف، عادت، روش و ایدئولوژی هم هست. در باره آیین اسدی شاعر ایرانی می گوید: “شنیدم ز دانای فرهنگ دوست + که زی هر کس آیین شهرش نکوست”. دهخدا، جلد دوم صفحه 231 تهران سال 1325 خورشیدی

پس در گذشته نیز شعرای ایرانی روی واژه آیین که معنای فارسی آن دین است بعنوان روش و عادت تکیه کرده اند و اما آیین یاری در کجای ادیان قرار دارد؟ در این بند از دفاتر حقیقت که گوید: “یاری چووار چپون باوری و جا + راستی و پاکی نیکی و ردا”. در اینجا رو نویس کنندگان دفاتر بجای نیکی “نیستی” را بکار برده که بمعنای “نیروانا” یا نا کجا آباد است، بدون توجه به سبک گفتار واژه و شعر شناسی. پس آیین یاری به راستی و درستای ایمان دارد و خدای نا دیده و یکتا را ستایش نمی کند. این است که افکار و شیوه برخورد با فرهنگ آیینی بسیار متریقی تر است از دین های پیشین. این آیین پیرو “ان الحق” من خدایم، حسین ابن منصور حلاج است. در حقیقت همانگونه که اشاره شد دین عربی است و آیین فارسی آنست و آیین یاری یک روش و دین مستقل است.

بر سر تاریخ پیدایش یارسان اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد، در صورت امکان دیدگاه خود را از زمان و مکان پیدایش یارسان، توضیح دهید.

به این پرسش درنگاهی گذرا به تاریخ و فلسفه یارسان پاسخ گفته ام. اگر کسی علاقه داشت و خواست با کمال میل اگر ای میلی بفرستد، به آن آدرس میل خواهم کرد.

بنا بر تصور بسیاری، یارسان مذهبی است که به مانند مابقی مذاهب و ادیان، بشر را سمت خالق یکتا سوق میدهد و جم خانه و جم جایی است برای رسیدن به محبوب؛

همانگونه که در پاسخ به پرسش 2 اشاره کردم، یارسانیان به خدای یکتا باور ندارند و به تناسخ روح معتقد اند و به مکتب حسین بن منصور حلاج “انسان خدانی باور دارند. جم و جمخانه گرد هم آنی برای زدودن کدورت ها و دشمنی هاست. آیین یاری مانند اسلام و یهودیت انتقام جو نیست. اگر بقول برخی ها، بسیاری از یارسانیان بسوی یکتا پرستی گام بر می دارند، این در هیچ کجای دفتر یاری نیامده و بنا به عادت 1400 ساله تسلط اسلام بر منطقه و با زور و خون ریزی بوجود آمده و بعدها به بخشی از عادت مردمان ملیتهای ایران در آمده است.

به نظر شما تا چه خرافات در یارسان رسوخ کرده و جایگاه امام اول شیعیان در این میان چیست؟

چندین سال پیش یک رادیو آلمانی با من مصاحبه ای کرد و از من پرسید اگر با زور سر نیزه بتو بگویند باید یک دین را بپذیری، کدام دین را انتخاب می کنی؟ من در پاسخ گفتم آیین یارسان.

مصاحبه گر گفت چرا؟ در پاسخ گفتم: نه اینکه خود از خانواده یارسانی می آیم، نه، بلکه در این دین کمترین خرافات و افسانه ی نوشتاری وجود دارد. اگر کمی خرافاتی فکری کنیم آنهم از ادیان دیگر به پیروان یاری تحمیل شده. در مصاحبه دیگری با خبرنگار معروف کرد دربی بی سی لندن، دقیق بخش دوم پرسشستان از من پرسید: “جایگاه امام اول شیعیان و دیگر امامان شیعه. با لبخندی به او گفتم این مصاحبه رابی بی سی پخش نمی کند، زیرا از نام من بدلیل باورم به هواداری از فقرا و پیروی از ایدئولوژی ضد امپریالیستی دل خوشی ندارند. برگشت با صراحت گفت اگر بی بی سی حد اقل بخشی از آن را پخش نکند، من دربی بی سی نمی مانم. بهرحال، حدود 45 دقیقه بامن مصاحبه داشت، از آن مصاحبه حدود 15 دقیقه دربی بی سی پخش شد. من در آن مصاحبه گفتم که: در زمان حکم رانی محمود غزنوی، شیعه ها در اقلیت بودند و گروه آنها را رافضی می نامیدند. این رافضیان هر قوم ناراضی را زیر چتر خود می گرفتند. مردم متعصب اهل سنت اسلام، برای زیارتچیان پابرهنه یارسانی در دسر ایجاد می کردند. بدین ترتیب که خار بر سر راه آنها می پاشیدند که پاهایشان زخم شود. در این میان در جمخانه تصمیم بر آن شد که از جنبشهای اسلامی که همان رافضیان بودند پشتیبانی شود. بنظر من بهترین راه حل مشکل این بود که مسئله تناسخ روح برجسته تر شود. اگر چه از نظر عقیدتی صد در صد مخالف هم بودند، آنها مورد حمایت رافضیان مسلمان قرار می گرفتند باز هم بنابه تحقیق من کوشیده شد مسئله تناسخ روح برجسته تر شود و بهترین مردمان (رهبران اسلام از قبیل عمر، علی، حسن، حسین، رضا و غیره را) مطرح کنند که اینها صاحب ذات هستند. من اکنون روی حرفم می ایستم واقعیت اینست اگر اطلاعات تاریخی می داشتیم چه کسی حاضر می شود مردی که در یک روز حدود 900 نفر از دشمنان را سر ببرد؟ و یارسانیان او را خدا می دانند! “جم جم شایه به رزه مل + علی خدایه به رزه مل”.....

چه آینده ایی را برای ادیان در دنیای مدرن پیش بینی میکنید؟

همان طور که در پاسخ به یکی از پرسشها گفتم، جهان در حال تکامل است و انسانها بسرعت (از نظر تاریخی) دارند موهومات را کشف می کنند. لذا در دنیای مدرن امروز جانی برای افسانه و موهومات و ادیان که بخشی از فرهنگ و ادبیات گذشته ما است دیده نمی شود و آینده ادیان بسیار نا روشن و تاریک است. آرزو دارم پرسش ها را دقیق فهمیده و پاسخ های درخور داده باشم.

در پایان با تشکر از پرفسور مرادی، جهت انجام این مصاحبه، به شما مخاطبین این نشریه اعلام می داریم که میتوانید سوالات خود را برای ما ارسال کنید تا در مصاحبات بعدی ایشان مطرح کنیم.

سوالات باید به گونه ایی باشد که قابل طرح با ایشان و چاپ در نشریه باشد.



dr.g.moradi41@gmail.com

Korosh Khodamorady

Hur ska vi lösa vårt framtida behov av energi?

Befolkning ökar dag för dag och fossila bränslen kommer att slutföra en dag, då kommer vi således att behöva en hälsosam och hållbar energi för att använda istället fossila bränslen.

Är vindkraft lösning på vårt behov av energi i framtiden?

Det innebär att man utnyttjar vinden till att driva vindturbiner som skapar elektricitet, man kan säga också att vindkraft är en form av solenergi för att det är solen som gör så att det blåser på jorden.

Min åsikt är att satsa för vindkraft för att Sveriges geografisk plats är passar bra för vindkraft samt är det ett förnybart energislag jag menar att fossila bränslen behöver väldigt längre tid att förnya sig, det är snarare en tillfällig källa, till exempel Världsbank hade publicerat ett rapport att Saudiarabien slutar sin olja om 80 år.

Är det inte räcker till att tänka på vindkraft?

Å andra sidan är vindkraft en ren energi. Ingen koldioxid släpper ut i luften när man producerar vindenergi för att inget fossila bränslen använder. Jag anser att om vi investerar i vindkraft, så engagerar vi framtiden med en ren energi.

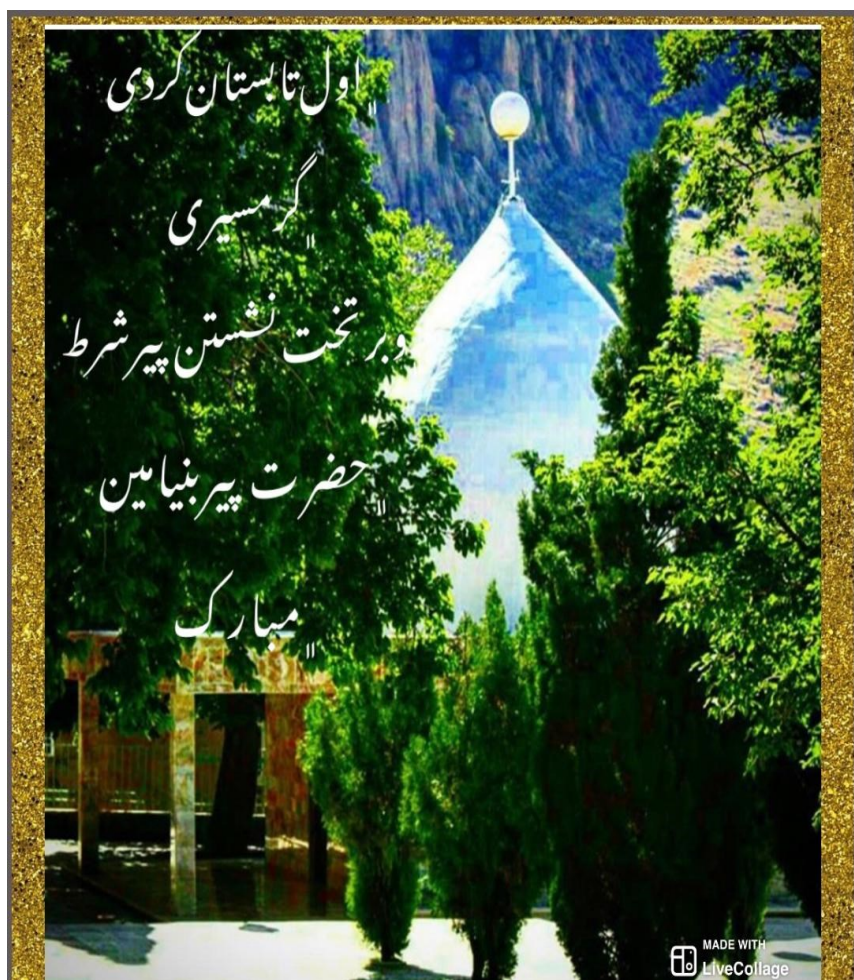
Dessutom enligt en undersökning från SOM-institutet vid Göteborgs universitet är vindkraft den mest populära energikällan bland svenska folket. Hela 80 procent anser att man ska satsa på mer vindkraft.

Däremot har Rickard Klinkert departement manager i Onshore ett argument mot vindkraft att ibland lyfts störande ljudnivåer fram som kan störa omgivningen.

Till sist anser jag att i nuvarande läge är vindkraft bäst för Sverige.

Korosh Khodamorady

مناجات پیر بنیامین



ای آگاه و بیناه
امیدوار نیم ای آگاه و بیناه
وہ چمان درده وہ نوینی گناه
غلامان نہ وزی وراگہ بیراہ
کج نظر نوان نہ قاپی ودرگاہ
دوہفت و دوچل بافندہ تون
راہنمای یاران سفیدگردون
حاصل جہ شیرن روغن زلال
نہ مایہ ازل یاوان وکمال
شیر پری باقی چراغ پیشپان
تا روز باقی جہ آمولوان
چنی غلامان عزیز مہ لخشہ
گناہ ونیستی نیستان بوخشہ

جشن نوروز در استکهلم



انتخابات فدراسیون یارسان

2019/4/13

